

گفت و گو با ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رییس جمهوری اسلامی درباره پایان جنگ:

بنی‌صدر: «ادامه جنگ برای برقراری استبداد بود»

حسین علوی

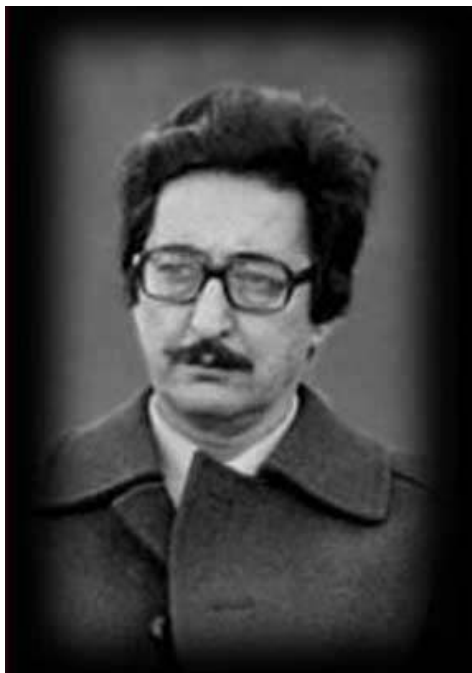
alavi@radiozamaneh.com

سیام مرداد ماه امسال، مصادف با بیستمین سالگرد پذیرش قطعنامه‌ی ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد توسط ایران و پایان رسمی جنگ هشت ساله‌ی ایران و عراق است.

در طول سال‌های پس از جنگ و به‌ویژه طی سال‌های اخیر، ضرورت بازنگری به دوران جنگ و نقد سیاست‌هایی که موجب به درازا کشیدن جنگ پس از بازپس گرفتن خرمشهر و غالب مناطق اشغال شده ایران در سال ۶۰ شد، بسیار مطرح بوده و کتاب‌ها و خاطرات و مقالات بسیاری در این زمینه در داخل و خارج از کشور منتشر شده است.

یکی از سیاستمداران و مسوولان اصلی نظام جمهوری اسلامی در سال‌های اولیه‌ی جنگ و تا سال ۶۰، ابوالحسن بنی‌صدر، اولین رییس جمهوری اسلامی است که نسبت به ادامه‌ی جنگ پس از بازپس گرفتن خرمشهر نگاه انتقادی دارد.

در گفت و گوی کوتاهی با وی، ابتدا این پرسش را مطرح کردم که چرا به مرور زمان در افکار عمومی ایران تردید نسبت به ضرورت طولانی شدن جنگ و سیاست‌هایی که موجب آن شد، تقویت شده است؟



دلیل آن این است که جنگ می‌توانست در خرداد ۶۰ به پایان برسد. برای این‌که دو پیشنهاد به ایران شد که یکی را هیأت کنفرانس عدم تعهد آورده بود و یکی هم از طرف کنفرانس اسلامی بود.

ما پیشنهادی را که مال کنفرانس عدم تعهد بود، بهتر یافتیم و یک تغییراتی را هم در آن دادیم و شورای عالی دفاع تصویب کرد، آقای خمینی تصویب کرد و گفت که جنگ را تمام کنید، ولی اسم آن را صلح نگذارید. گفتیم اسم آن را چه بگذاریم؟ گفت اسم بلد هستید دیگر، یک اسم برای آن پیدا کنید.

دو تا اتوبوس از روحانیون آمده بودند و شعار جنگ جنگ ادامه باید یابد می‌دادند. گفتیم آقا این‌ها را می‌آورند این‌جا، این‌ها سخنگوی مردم نیستند، این‌ها را جمع می‌کنند می‌آورند این‌جا، کسانی هستند که به ادامه‌ی جنگ اصرار دارند. برای این‌که به آن احتیاج دارند و مردم ایران، ادامه‌ی جنگ را نمی‌خواهند. به هر حال آن «کودتا» در خرداد ۶۰ انجام گرفت که یکی از دلایل اساسی آن ادامه‌ی جنگ بود.

شما در گفت و گوهای تان و همچنین در خاطرات خودتان یادآوری کردید که یکی از دلایل ادامه‌ی جنگ، تقویت سپاه پاسداران در قبال ارتش و همچنین به انحصار در آوردن قدرت بوده. ولی این کار در فاصله‌ی سال‌های ۶۰ تا ۶۷ هم عملی شد. چرا بیشتر طول کشید؟ یعنی امکان داشت اگر فقط اهداف این‌ها باشد؛ مثلاً در سال‌های ۶۳ یا ۶۴ از سوی جمهوری اسلامی، جنگ پایان پیدا بکند؟

ادامه‌ی جنگ چندین هدف داشت. این‌ها را در «خیانت به امید» شمردم و همه هم تحقق پیدا کرد. یکی استقرار استبداد ملاتاریا بود و این موضوع ستون فقرات می‌خواست، ستون پایه‌های استبداد می‌خواست که این‌ها باید استوار می‌شدند.

این‌که شما می‌گویید در ۶۳ و ۶۴ هم می‌توانست جنگ تمام شود، نه نمی‌توانست. به لحاظ این‌که هنوز سپاه به آن چیزی که در طول هشت سال جنگ پیدا کرد، پیدا نکرده بود. پس از این جهت جنگ باید ادامه پیدا می‌کرد و فقط یک طرف هم که نقش نداشت.

آلن کلارک، وزیر دفاع در حکومت تاجر در دادگاه گفت که این جنگ به سود ما بود و ما اسباب ایجاد و ادامه‌ی آن را فراهم کردیم. ایجاد آن را توسط صدام حسین تدارک دیدند. آن طوری که اخیراً رییس تشریفات رییس جمهوری عراق در مصاحبه‌ای گفته که بله آقای براون، وزیر اسبق خارجه انگلستان و دکتر بختیار و اویسی رفتند آن‌جا و توضیح دادند به او که اگر به ایران حمله کند خیلی برق آسا موفق می‌شود و کار ایران را یکسره می‌کند.

پس ایجاد آن این طوری بوده است. ادامه‌ی آن چطوری بوده؟ از چه طریقی قدرت‌های خارجی جنگ را ادامه دادند؟ چون در خرداد ۶۰، صدام حسین آن پیشنهاد هیات عدم تعهد را قبول کرد و اگر کودتا رخ نمی‌داد و آن هیات به ایران می‌آمد؛ همان وقت جنگ می‌توانست تمام بشود.

به این ترتیب آقای بنی‌صدر، در تمام طول سال‌های ۶۰ تا ۶۷ آقای خمینی هیچ‌گاه طرفدار پایان دادن به جنگ نبود؟

این‌ها الان می‌خواهند ببیندازند گردن آقای خمینی که بگویند او تنها بوده که می‌خواست جنگ را ادامه بدهد. خیر، رژیم ایران شده با «کودتا»ی خرداد ۶۰ و نوعی از تصدی جنگ که با ادامه‌ی آن سازگار بوده، به هدف خود رسید.

همه‌ی آن‌ها می‌خواستند جنگ ادامه پیدا کند. برای این‌که نسلی که انقلاب کرده بود از صحنه بیرون نرود. این‌ها را بردند یا در جنگ نفله کردند و یا فرصت کار و زندگی و رشد را از آن‌ها گرفتند. به هر حال یک نسل ایرانی که ضمن هشت سال فرصت رشد داشته، این فرصت را از دست داد، یعنی نفله شد. این کار را کرد تا این نسل جدیدی بیاید که در آن انقلاب نقش مهمی نداشته یا اصلاً نقش نداشته و این استبداد استقرار پیدا بکند، این‌ها همه‌شان اصرار داشتند که جنگ ادامه پیدا بکند.

این طرح تصرف بصره را از همان روز اولی که آقای هاشمی رفسنجانی پیشنهاد کرد و من هنوز در ایران تصدی کار جنگ را داشتم، فرماندهان نظامی بررسی کردند و گفتند که معنای این، طولانی کردن جنگ است تا بی‌نهایت. برای این‌که اگر بر فرض موفق بشویم بصره را بگیریم، رژیم صدام سقوط نمی‌کند. شما ببینید این مافیای در طول این مدت جنگ هشت ساله به وجود آمدند. این استبداد ولایت مطلقه در طول این هشت سال به وجود آمد. نسل انقلاب در طول این هشت سال، صحنه را ترک گفت.

فسادهای گسترده‌ای که هنوز هم ادامه دارد، به وقوع پیوست. به یاد شما بیاورم که مهندس سبحانی محاسبه کرده بود که در طول آن هشت سال، صد میلیارد پول گم شده. بعد خودشان در مجلس گفتند که ما بررسی کردیم معلوم شده که ۱۰۵ میلیارد گم شده است.